

طی ده سال گذشته، نهادهایی که برای توسعه و عمران، دستی به جیب می بردند دیگر سخاوتی از خود نشان نمی دهند. کاهش کمک های دولتی به حدی رسیده که ضعف بخش خصوصی را جبران نمی کند. اتحادیه اروپا نیز ضمن پایان بخشیدن به توافق نامه لومه دیگر در اندیشه گشودن بازارهای جدید نیست. در برابر تمام این عقب ماندگی ها، کشورهای جنوب به فکر همکاریهای دوجانبه ای افتاده اند که گاهی نتایجی پر بار داشته است.

نوشته ای از روزنامه نگار فرانسوی رونالد پیرپارنگو  
کنار آب بندان مزرعه برنج، دو نفر ویت نامی زیر کلاه سبز سربازان هانوی بدقت ناظر صفی از زنان هستند که در تابش آفتابی سوزان به

# راهی دیگر

## سال تم

طور منظم نشاهای برنج را به زمین می نشانند. این منظره آشنا در سراسر هزاران کیلومتر دلتای مکنونگ و رودخانه سرخ همه روزه به چشم می خورد. اینجا ما در شمالی ترین نقطه سنگال در روستای "دادو" و منطقه بودور هستیم. شالیزاری که به صورت مزرعه نمونه در آمده و ۱۸ هکتار وسعت دارد و در سایه مهارت ویت نامی ها، هم بذر مناسب برایش انتخاب شده و هم اینکه آبیاری آن بخوبی مدیریت می شود و به همین دلیل در ظرف دو سال، عملکرد محصول در هر هکتار از ۴ تن به ۵ تن در مزارع عادی رسیده و در شالیزارهای نمونه به ۷ و گاهی ۸ تن بالغ شده است. روستا ۶۰۰ نفر جمعیت دارد و سطح کشت آن می تواند تا ۹۵ هکتار افزایش یابد و از آنجا که همه ساله هر مزرعه دوبار کشت می شود باید گفت که در آینده ای نه چندان دور، روستا وضعی رو برآه پیدا خواهد کرد.

چند صد کیلومتر آن سوتر، در روستای "نه دیمو" در ناحیه "فاتیک" که پست و چاله مانند است و آبی شور طی چهار ماه از سال سراسر آن را فرامی گیرد، برنجکاری دیم با استفاده از آب باران متداول است که در بیشتر نقاط کشور رواج دارد و مشکلاتی نیز ایجاد می کند در آنجا نیز دو نفر کارشناس ویت نامی با کشاورزان منطقه همکاری دارند. برای رفع مشکلات منطقه و اداره صحیح حوزه آبریز، کشاورزان را در سه گروه تقسیم کرده اند؛ مردان، زنان و جوانان. جمع زمین های مزروعی همراه با نهرها و آب بندان حدود ۵ هکتار می شود.

آموزش روستائیان ساده و شیوه های کار، ابتدایی است. به کشاورزان، نحوه کنترل آب و انتخاب بذر مناسب منطقه را یاد می دهند و نیز شیوه نگهداری بذر انتخابی را به آنها تعلیم می دهند علاوه بر اینها روستائیان را با تلفیق شالیکاری و پرورش ماهی در آبگیرها آشنا می سازند. اینها در واقع مجموعه ای از فنون ضروری و کم خرج است که زارعان حتی دو سال پیش هم با آنها بیگانه بودند و حال آنکه سنگال از ده ها سال پیش از کمک های عمرانی استفاده می کرده است.

**سنگال واقعاً یک انتخاب ایده آلی بود که البته این گزینش تنها برای آن نبود که مدیر کل "فائو" یعنی آقای ژاک دیوف" مهندس کشاورزی و وزیر سابق سنگال، یکی از فرزندان این کشور می باشد، بلکه این نکته هم مورد توجه بوده که یک ثلث از اهالی کشور، یعنی ۲/۵ میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می کنند و سه چهارم نیاز آنها به برنج (یعنی ۵۰۰ هزار تن) هر ساله از خارج وارد می شود و حال آنکه با استعدادی که سنگال دارد از سالها قبل بایستی خودکفا می شد.**

طرح های دست جمعی در زمینه آب بندانها، کانال ها و دریچه های مربوط در حال حاضر ساده و ارزان تهیه می شوند و اکثر آنها از طریق کار دستی فراهم می آید و مواد گرانبها کمتر مصرف می شود. همین چندی قبل در اینجا برای حفر یک نهر با بیل مکانیکی موسسه ای خصوصی ۵ میلیون فرانک افریقایی یا ۵۰ هزار فرانک فرانسه دستمزد می خواست.

حاصل کار: در پایان سال ۱۹۹۹ "ندویمو" ۲۵ تن شالی برداشت کرد. یعنی راندمان هر هکتار ۵ تن بود و چنین چیزی در منطقه سابقه نداشت. حسن مسئول گروه روستایی می گوید: قبلاً در سالهای خوب و مناسب در هر هکتار ۷۰۰ یا ۸۰۰ کیلو برداشت می کردیم ولی امروز دیگر خودکفا شده ایم، برای انبار کردن محصول، روستا صاحب سیلویی شده که از آهن گالوانیزه ساخته اند و حاصل همکاری با کارشناسان بولیویائی است. این قبیل سیلوها در محل ساخته می شوند و خرج هر کدام بسته به ظرفیت، بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ فرانک است. رئیس گروه روستائیان از اوضاع راضی است و احساس غرور می کند. ده نشینان نیز تعلیمات کارشناسان را بخوبی فرا گرفته و به کار می بندند و حالا به فکر افتاده اند که ده هکتار از زمین های دیگر را نیز آباد کنند و قسمتی از محصولات به دست آمده را برای فروش روانه بازار سازند البته برای این کار نباید بگذارند ویت نامی ها از کشور بروند.

حضور ویت نامی ها در دهات سنگال، جلوه گر درخشانی از

می گردند. سنگال یکی از نخستین کشورهای بود که از برنامه *passa* بخوبی استفاده کرد و همکاری کشورهای جنوب را پذیرفت که امروزه حداقل در چهل کشور دیگر به اجرا درآمده و ۲۳ تایی آنها از ممالک آفریقایی می باشند. سنگال واقعاً یک انتخاب ایده آلی بود که البته این گزینش تنها برای آن نبود که مدیر کل "قانو" یعنی آقای ژاک دیوف مهندس کشاورزی و وزیر سابق سنگال، یکی از فرزندان این کشور می باشد، بلکه این نکته هم مورد توجه بوده که یک ثلث از اهالی کشور، یعنی ۲/۵ میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می کنند و سه چهارم نیاز آنها به برنج (یعنی ۵۰۰ هزار تن) هر ساله از خارج وارد می شود و حال آنکه با استعدادی که سنگال دارد از سالها قبل بایستی خودکفا می شد.

طی ده ها سال، خطوط اصلی سیاست کشاورزی کشور را دولت تعیین می کرد و برای هر محصول سوبسیدی فراوان می پرداخت. سرمایه گذاریهای فراوانی در امر زیربناها و مدیریت آب بکار انداخت و در دره سنگال و "گازامانس" هزینه های زیادی صرف کرد. این سیاست ها راه به جایی نبرد و نسبت به اکثریت مردم نوعی بی عدالتی به حساب می آمد. آقای ماکان گیسه، یکی از مسئولان طرح *Passa* در سنگال در این باره می گوید: زمین های آبی دره "گازامانس" حدود ۸۰ درصد اعتبارات برنجکاری کشور را به خود جذب کردند و حال آنکه بزحمت ۱۶ درصد کشاورزان کشور را شامل می شدند و بهمین دلیل

## اینجا

### ما در شمالی ترین نقطه سنگال در روستای

"دائو" و منطقه "پودور" هستیم. شالیزاری که به صورت مزرعه نمونه در آمده و ۱۸ هکتار وسعت دارد و در سایه مهارت ویت نامی ها، هم بذر مناسب برایش انتخاب شده و هم اینکه آبیاری آن بخوبی مدیریت می شود و به همین دلیل در ظرف دو سال، عملکرد محصول در هر هکتار از ۴ تن به ۵ تن در مزارع عادی رسیده و در شالیزارهای نمونه به ۷ و گاهی ۸ تن بالغ شده است.

هرگز نتایج رضایت بخشی نداشته است. در عین حال بخش زراعت دیم که قسمت اعظم کشاورزان را در برمی گیرد به امان خدا رها شده است.

پس از شکست های پی در پی سیاست کشاورزی در سال های اخیر به این نتیجه رسیدند که تجدیدنظری به عمل آورند و حتی به این موضوع بیش از توصیه های سفت و سخت بانک جهانی در زمینه آزادسازی سال ۱۹۹۴ در چارچوب اصلاح ساختار کشاورزی اهمیت می دادند، زیرا دیگر دوران پروژه های پرهزینه و خانمان برباد ده تحمیلی از بالا، سر رسیده بود و بایستی در فکر طرحهایی باشند که عملی و سازگار با منطقه بوده و کارشناسانی ارزاتر را به خدمت بگیرند. مدیر فائو در این باره می گوید: عملاً ثابت شده که فکری که از بالا تلقین می شود کمتر با شرایط واقعی در پایین سازگاری دارد و

همکاری کشورهای جنوب است که از طریق سازمان ملل متحد برای غذا و کشاورزی "فائو" در چارچوب برنامه ویژه برای امنیت غذایی *Passa* راه اندازی شده است. این طرح که از سال ۱۹۹۴ آغاز شده در درجه اول برای ۸۰۰ میلیون ساکنان کشورهای در حال توسعه ایست که قادر به تأمین غذای کافی برای یک زندگی سالم و فعال نمی باشند. برنامه مزبور مخصوص ممالک با درآمد کم و کمبود فاحش مواد غذایی است و هدف آن برآوردن نیازهای اهالی و تسریع توسعه روستایی و بهبود وضع مواد غذایی می باشد. تکیه برنامه بیشتر روی شیوه هایی است که از نظر فنی ملاحظات زیست محیطی را در نظر گرفته و از جهت اقتصادی نیز مداوم و پایدار باشند. این طرح درصدد تقویت همکاری کشورها، راه اندازی پروژه های کوچک و کم هزینه با تکنیک های ساده است که موجب احیای اقتصاد روستا

نیازهای روستا را در نظر نمی‌گیرد. همکاری کشورهای جنوب، بر عکس کارها را عملی و ارزان تمام می‌کند. برنامه‌ها را از پائین تنظیم می‌کند و پله پله کارها را به جلو می‌برد و در همه زمانها بازتاب مناسبی پیدا می‌کند.

## پروژه‌های کوچک و سازنده

باید درصدد حذف عادات پرهزینه و لغو برنامه‌های مسرفانه بود. آقای دیوف در این باره بدون ابهام و صریح سخن می‌گوید: همه جا ساختار پروژه‌ها به گونه‌ایست که ۱۰ تا ۲۰ درصد سرمایه‌ها صرف مطالعه می‌شود. اغلب کشورها ده‌ها پروژه دارند و هر یک از این پروژه‌ها چندین میلیون دلار هزینه روی دست کشور می‌گذارند. اما بیشتر این پروژه‌ها نتیجه درستی ندارند و مردم مملکت باید هزینه این اشتباهات را بپردازند و در اثر همین اشتباهات است که سنگال امروزه باید ۵۰۰ هزار تن برنج وارد کند و ضمناً ثروت فراوانی را نیز در پروژه‌های متعدد بر باد بدهد. من با

چنین برنامه‌هایی مخالف هستم ... و بعد ماجرای چندین برنامه مطالعاتی روی کشاورزی سنگال را مطرح می‌کند که ۸ میلیون دلار هزینه آن شده و بالحنی توام با شوخی اضافه می‌نماید که طبق این برنامه‌ها برای هر قفس مرغ ۱۵

## رئیس

**گروه روستائیان از اوضاع راضی است و احساس غرور می‌کند. ده نشینان نیز تعلیمات کارشناسان را بخوبی فرا گرفته و به کار می‌بندند و حالا به فکر افتاده‌اند که ده هکتار از زمین‌های دیگر را نیز آباد کنند و قسمتی از محصولات به دست آمده را برای فروش روانه بازار سازند البته برای این کار نباید بگذارند ویت نامی‌ها از کشور بروند.**

دلار هزینه در نظر گرفته‌اند. آقای دیوف در دنبال این مطلب یادآور می‌شود که یک کارشناس بین‌المللی و اکثراً غربی بین ۱۵ تا ۳۰ هزار دلار یعنی ۲۵ تا ۵۰ برابر آن مطالبه حقوق می‌کند و تازه با این حقوق، غیر از هزینه‌های گزاف مسافرت، کارشناس غربی بیش از چند روزی در سر مزرعه نمی‌آید و تمام شبها باید در هتلی مجهز به شوفر و کولر بخوابد و حال آنکه ویت نامی‌ها در روستا زندگی می‌کنند و بیش از دو سال است که مدام در آنجا و در میان کشاورزان ما بسر می‌برند.

در سال ۱۹۹۷ پس از امضای قرارداد سه جانبه بین ویت نام، سنگال و فائو حدود ۴۰ نفر از کارشناسان ویت نامی در چارچوب برنامه Passa به سنگال آمدند و در دره رودخانه به راهنمایی ۶۰ گروه از کشاورز بومی پرداختند. هدف اصلی آنها افزایش عملکرد و تولیدات برنج بود ولی دامنه فعالیت آنها بسیار وسیع تر شد و همکاران هانوی در برنامه‌های دیگر نیز دست از راهنمایی نکشیدند و با اینکه این فعالیت‌ها ربطی به کار اصلی آنها نداشت ولی آنان از هیچ کاری مضایفه نداشتند. البته این کارشناسان

در آغاز ورود به سنگال حتی به زبان فرانسه هم تسلطی نداشتند ولی این موضوع اصلاً مهم نبود همانطور که "مگوین روک تالو" رئیس گروه کارشناسان ویت نامی عقیده دارد ترویج فنون کشاورزی را با اشاره و تمثيل هم بخوبی می‌توان انجام داد.

به همین ترتیب در "بندیا" در منطقه "میود" آقای "دان گوان تانگ" با مشارکت گروهی از زنان، یک واحد زنبورداری

ورشکسته‌ایی را احیا کرد و در ۱۹۹۸ حدود ۲۳۰ کیلو عسل به دست آوردند که در سال ۱۹۹۹ به یک تن افزایش یافت. مالک قدیمی این واحد که یک اروپایی بود عایداتش حتی به یک چهارم ویت نامی‌ها هم نمی‌رسید و زنان بومی از راه کاربست شیوه ویت نامی‌ها در بازار، عسل خود را که سابقاً در هر کیلو ۱۰۰۰ فرانک هم طالب نداشت، به ۳۵۰۰ تا ۴۰۰۰ فرانک فروختند. در کایار نزدیک سواحل اقیانوس اطلس پروژه‌ای را به راه انداختند که کاملاً ویت نامی بود "توئوک مام" یا سوپ ماهی توسط گروهی از زنان زیر نظر یک کارشناس ویت نامی تهیه می‌شد، کار دشواری نبود در اینجا هم مانند ویت نام چون غذای عمده اهالی برنج بود تهیه این سوپ یعنی مخلوطی از برنج و ماهی ساده و پرنتیجه بود.

در "دیامبو سوبال"، نزدیک رودخانه سنگال یکی از کارشناسان ویت نامی در زمینه صید سنتی دست به ابتکاری زد و دو قایق از آهن سفید گالوانیزه ساخت که دوام و کارائی آنها بسیار بیشتر از قایق‌های چوبی است. ضمناً همین کارشناس به شاگردان خود یعنی مردم منطقه یاد داد که در هر قایق صید ماهی، دو نفری که به کار مشغول هستند برای صید بیشتر می‌توانند پاروزدن را با پا انجام دهند تا دستان آنها

طی ده سال گذشته، نهادهایی که برای توسعه و عمران، دستی به جیب می‌برند دیگر سخاوتی از خود نشان نمی‌دهند. کاهش کمک‌های دولتی به حدی رسیده که ضعف بخش خصوصی را جبران نمی‌کند. اتحادیه اروپا نیز ضمن پایان بخشیدن به توافق نامه "لومه" دیگر در اندیشه گشودن بازارهای جدید نیست

برای صید آزاد باشد، به این ترتیب هر قایق می تواند ۵ تا ۲۰ کیلو ماهی صید کند در گیا، کاملاً نزدیک همین منطقه یک کارشناس ویت نامی دیگر مردم محلی را با شیوه تربیت توأم مرغابی و پرورش ماهی آشنا ساخت و در جایی دیگر، کارشناس ویت نامی دیگر به ۹ خانوار طریق صیفی کاری را تعلیم داد.

## خودکفایی، در یک قدمی ما

در همه جای سنگال این کارشناسان که تعدادشان طی دو سال از ۴۰ به ۱۰۰ نفر رسیده، مورد احترام و محبت اهالی می باشند. مگوین دین هیپ یک مهندس رشته باغبانی از هانوی می گوید: کاملاً مانند دهقانان سنگالی زندگی می کنیم در اینجا هر کدام از کارشناسان می توانند یک دستگاه موتورسیکلت داشته باشند، باد بزن برقی هم مجاز است ولی از کولر - با وجود گرمای طاقت فرسا خبری نیست. دهقانان سنگالی وقتی می بینند این کارشناسان صبح سر کار می آیند و با غروب آفتاب به خانه برمی گردند، برای آنها احترامی فوق العاده قائل می شوند زیرا نتیجه کار آنها هم عالی بوده است. در دره سنگال، پس از دو سال دوران آزمایشی که طی آن انواع کشت و بذور ویت نامی تجربه شده اند ارقام حاصله خود گویای نتایج است، در مزارع آزمایشی، در زراعت های آبی، تولید در سال ۱۹۹۷-۱۹۹۸ بیش از ۷۰ درصد

پس از سپردن قسمت اعظم مسئولیت ها و امتیازات به سازمانهای دهقانی و بخش خصوصی بخوبی انجام خواهند داد؟ در دادو همانطور که دیده شده استعداد منطقه زیاد است و خودکفائی واقعاً دم دست قرار دارد ولی برای احیای اراضی جدید آبی تجهیزات دست جمعی و زیربناها که در مسئولیت دولت قرار دارد کاری صورت نگرفته است. آقای عبودو سال مهندس کشاورزی و مسئول منطقه بودور می گوید: وسیله کار در اختیارمان نمی گذارند فعالیت ها متوقف شده و دولت از ۱۹۹۵ به این سو اصلاً اعتنایی به این حرفها ندارد، در منطقه فاتیک مردم همانقدر که دلهره نیامدن باران را دارند از نرسیدن نهاده ها و اعتبارات نیز نگران هستند.

در این مورد آقای ماکان گیسو توضیحات جالبی دارد "سازمانهای دهقانی، از سوی دولت عهده دار مسئولیت هایی شده اند که نه خواستار آن بوده اند و نه اینکه به تنهایی قدرت اجرای آن را دارند. بخش خصوصی هم که باید دنباله کارهای دولتی را بگیرد در حال حاضر نه چندان قوی و نه چندان علاقمند به اداره چندین هزار هکتار از اراضی آبی می باشد و رویهم رفته اوضاع رضایتبخش نیست و احتمالاً کشاورزی دستخوش رکود خواهد شد.

گزارشی که در ژان ۱۹۹۹ و به مناسبت پایان برنامه اصلاحات بخش کشاورزی Passa تهیه شده، می گوید که تولید برنج بخصوص در دره سنگال پس از اصلاحات رو به کاهش نهاده و

در پایان نتیجه می گیرد که آزادسازی اثر مهمی روی عرضه محصولات کشاورزی نداشته زیرا با اقدامات جانبی برای توسعه بهره برداریها و بهبود محیطی تولید (نظیر بازاریابی، اعتبارات و...) همراه نبوده است. در نتیجه با وجود آزادسازی بخش، دشواریهایی که مانع افزایش تولید زراعی هستند بر جای خود باقی و اثرگذار می باشند. هرگاه بر این نکات، محدودیت های اقلیمی را نیز اضافه کنیم ... آن هم در کشوری که قسمت اعظم کشاورزان برای بقای خود وابسته به باران می باشند، آن گاه ارزش این برنامه ها برای سنگال و کشورهای دیگر جنوب بهتر فهمیده می شود و اهمیت طرح های عمرانی و همکاریهای ممالک جنوب با هم به نحو روشن تری درک می گردد.

از لوموند دیپلو ماتیگ، مارس ۲۰۰۱

ترجمه: یوسف قریب

**باید درصدد حذف عادات پرهزینه و لغو برنامه های مسرفانه بود. آقای دیوف در این باره بدون ابهام و صریح سخن می گوید: همه جا ساختار پروژه ها به گونه ایست که ۱۰ تا ۲۰ درصد سرمایه ها صرف مطالعه می شود. اغلب کشورها ده ها پروژه دارند و هر یک از این پروژه ها چندین میلیون دلار هزینه روی دست کشور می گذارند. اما بیشتر این پروژه ها نتیجه درستی ندارند و مردم مملکت باید هزینه این اشتباهات را بپردازند و در اثر همین اشتباهات است که سنگال امروزه باید ۵۰۰ هزار تن برنج وارد کند و ضمناً ثروت فراوانی را نیز در پروژه های متعدد بر باد بدهد. من با چنین برنامه هایی مخالف هستم ...**

افزایش یافته و بطور متوسط در هر هکتار به ۷ تن رسیده و در قسمت دیمکاری میزان افزایش ۱۹۰ درصد بوده و برداشت در هر هکتار به ۶ تن بالغ شده است. در زمینه زنبورداری، صیفی کاری و بقیه امور هم اوضاع بهمین منوال است. سنگال، سرشار از این موفقیت ها در سالهای آینده درصدد توسعه برنامه Passa در قالب یک طرح ملی برای سراسر مزارع کشور است.

با این وجود پاره ای نگرانیها و اجبارها بر جای خود باقی است. پس از بازگشت ویت نامی ها آیا سنگالی ها به تنهایی وسایل و نیروی ضروری برای تعقیب کارها را در اختیار خواهند داشت و به تربیت کارشناسان و حفظ روحیه پرتحرک فعلی ادامه خواهند داد؟ سازمانهای دهقانی به وظایف تولیدی خود خواهند پرداخت؛ بالاخره و بخصوص دولت و دستگاههای فنی سهم خود - سهم ناچیز خود را -